

اهدای جنین

بحث در ممنوعیت اهدای جنین به ملاک وجوب حفظ فرج بود. گفتیم مقتضای آیه شریفه امر به حفظ فرج برای زنان، لزوم حفظ فرج از تمام مناسبات با آن و از جمله استیلا است مگر در مورد استثناء که فقط استیلا نسبت به زوج یا مولی و شئون مربوط به آنها است (به همان مقداری که دلیل بر استثنای آن وجود دارد).

بعد به برخی اشکالات موجود اشاره کردیم از جمله اینکه گفته شده بود مقتضای روایت ابوبصیر اختصاص به آیه شریفه به نظر است. ما گفتیم این روایت بر اساس سند موجود در تفسیر قمی معتبر است و اگر شبهه‌ای باشد در مورد خود تفسیر قمی است که آیا کتاب متعلق به علی بن ابراهیم است یا غیر او، اما با این حال معتبر بودن سند روایت بعید نیست خصوصاً با توجه به اینکه مفاد آن در روایات دیگر هم منقول است بلکه در روایات اهل سنت هم نقل شده است.

اما دلالت روایت را بر انحصار آیه در حرمت نظر نپذیرفتیم که توضیح آن گذشت.

یکی دیگر از اشکالاتی که به استدلال به این آیه مطرح شده است این است که مفاد آیه امر به حفظ فرج است و ظاهر امر به حفظ فرج این است که از دیگران آن را حفظ کرد نه اینکه شخص حتی از خودش هم حفظ کند! تحفظ یعنی امتناع به نسبت به دیگری ولی تحفظ به نسبت به خود شخص مشمول کلمه حفظ نیست. در محل بحث ما هم که استیلا با نطفه اجنبی است کسی زن را به این کار مجبور نکرده است بلکه زن خودش و با رضایت خودش به این کار اقدام می‌کند پس این عمل او مشمول آیه شریفه نیست و آیه شریفه بر ممنوعیت پذیرش جنین دیگری یا نطفه اجنبی دلالتی ندارد چون فعل خود شخص است و تحفظ نسبت به فعل خود شخص معنا ندارد.

درست است که در بسیاری از این موارد پزشک مباشر در این کار است اما مباشرت پزشک به دستور و درخواست خود زن است و لذا فعل بر اساس تسبیب به خود زن مستند است.

اما به نظر این حرف صحیح نیست و این طور نیست که مفاد آیه این باشد که حتماً از فعل دیگران باید تحفظ کرد نه از فعل خود شخص.

اولاً در محل بحث ما هر چند خود زن به تسبیب این کار را انجام می‌دهد اما بالاخره به مباشرت دیگری اتفاق می‌افتد. در موارد تسبیب، فعل علاوه بر مباشر به سبب هم منتسب است نه اینکه فعل از مباشر منفی است.

اگر خود زن این کار را انجام بدهد شاید شبهه شود که مشمول آیه نیست اما در جایی که زن خودش مباشر در انجام کار نیست و بلکه پزشک و شخص دیگری این کار را انجام می‌دهد، بر اساس آیه بر زن لازم است تحفظ بر فرج داشته باشد. اینکه این زن خودش سبب این کار است موجب می‌شود این کار به او هم مستند باشد نه اینکه از مباشر سلب شود و بر همین اساس هم گفته شده است در جایی که حفظ حیات مادر بر قتل جنین متوقف باشد، پزشک نمی‌تواند جنین را سقط کند چون هر چند خود زن از باب دفاع از خودش می‌تواند جنین را بکشد اما در مورد پزشک این مساله صادق نیست و درست است که کار به تسبیب زن است اما قتل به پزشک هم مستند است.

ثانیا کبرای این حرف هم غلط است. تحفظ به فعل دیگری اختصاص ندارد و لذا اگر گفتند باید زیان را حفظ کرد یعنی خود شخص نباید با آن دروغ بگوید و غیبت کند و ... یا لزوم تحفظ مال یعنی آن را از تلف و تباهی باید حفظ کرد چه از فعل دیگری باشد و چه از فعل خودش، در اینجا هم که گفته‌اند زن باید بر فرج تحفظ کند معنایش این نیست که از فعل دیگران آن را حفظ کند بلکه صیانت از آن لازم است حتی از فعل خودش.

پس این اشکال، نسبت به استدلال به آیه بر لزوم تحرز از پذیرش جنین اهدایی وارد نیست.

اشکال دیگری که به استدلال به آیه وارد شده است این است که تمسک به این آیه برای منع از پذیرش نطفه غیر، از قبیل تمسک به عام در شبهه مصداقیه خودش است. مفاد آیه این است که زن باید فرجش را حفظ کند و مراد تحفظ آن از امور غیر جایز است و گرنه روشن است که تحفظ آن از امور جایز لازم نیست. اصلا مفاد تحفظ همین است یعنی چیزی باید ممنوع باشد تا تحفظ نسبت به آن معنا پیدا کند. بنابراین چون نظر دیگران به عورت جایز نیست، بر فرد تحفظ فرجش از نظر دیگران واجب است. آیا دخول نطفه غیر یا جنین اهدایی در رحم حرام است تا تحفظ از آن لازم باشد؟ برای اثبات حرمت آن نمی‌توان به این آیه تمسک کرد.

به نظر ما این اشکال هم ناتمام است. چون اینکه معنای حفظ این است که آن را از امور غیر مجاز باید حفظ کرد، خلاف وجدان لغوی ما است. تحفظ یعنی نگهداری و هم نسبت به امور جایز و هم نسبت به امور غیر جایز صادق است نهایت این است که در برخی موارد تحفظ واجب است و در برخی موارد تحفظ واجب نیست. پس این طور نیست که تحفظ در جایی معنا داشته باشد آن کار غیر مجاز و ممنوع باشد.

در نتیجه مفاد آیه لزوم تحفظ فرج از همه مناسبات آن است و تحفظ نسبت به امور مجاز و غیر مجاز صادق است و بر اساس آن هر چه مصداق عدم تحفظ باشد جایز نیست.

اشکال: آنچه در این آیه لازم است تحفظ بر فرج است و مساله بچه و استیلاذ از مناسبات رحم است نه فرج. نهایتا این است که اگر جایی بارداری بر فرج متوقف باشد ممنوع است اما معنای آن نهی از بارداری غیر از فرج نیست.

جواب: پس فعلا این روش‌های موجود از این جهت ممنوعند، علاوه که شاید شارع بر اساس اینکه دیده است راه‌های دیگر سخت و دشوار است و معمولا مردم آنها را انجام نمی‌دهند، منع از راه متعارف را برای

دفع آن مفسده كافي ديده است و لذا از راه‌هاي غير متعارف منع نكرده است و عدم منع آن اشكال هم ندارد چون با همان ممنوعيت راه متعارف، آن ميزان از مفسده‌اي را كه مي‌خواسته است، دفع كرده است.

اشكال: بالاخره مفاد آيه لزوم حفظ فرج است نه امر به باردار نشدن، لذا زني كه از اين راه باردار مي‌شود، بارداري او حرام نيست بلكه عدم حفظ فرج عصيان بوده است. در حقيقت عدم تحفظ بر فرج از ملازمات بارداري است مثل اينكه ممكن است بارداري مستلزم نظر حرام باشد. پس خود بارداري حرام نيست.

جواب: اين تعبير در حقيقت يك تعبير كنايي است از هر آنچه مناسب با فرج است كه يكي از آنها هم بارداري است. لذا زني كه از راه زنا باردار شود علاوه بر گناه زنا، خود بارداري او هم حرام است. بلكه بعد از استقرار نطفه، بر اساس دليل خاص و يا ادله حفظ نفس، سقط جايز نيست. در اينجا هم خود بارداري جداي از عدم تحفظ بر فرج، حرام است و زن نبايد باردار شود و البته بعد از استقرار نطفه، حفظ آن لازم است.

اشكال: تحفظ مستبطن نگهداري شئ از امور مضرّ است و گرنه به نسبت امور غير مضرّ اصلا حفظ معنا ندارد و اينكه نطفه اجنبي يا جنين ديگري از امور مضرّ است اول الكلام است و تمسك به آيه براي اثبات حرمت آن تمسك به عام در شبهه مصداقيه خودش است.

جواب از اين اشكال شبويه به همان چيزي است كه كمى قبل گفتيم و از تكرر آن خودداري مي‌كنيم.

نتيجه اين شد كه از نظر ما آيه شريفه بر لزوم حفظ فرج از همه امور مناسب با آن دلالت دارد كه يكي از آنها مساله استيلاد از غير زوج است و محل بحث ما كه باردار شدن زن با نطفه مرد اجنبي بود مشمول اين اطلاق است و قصوري در آيه شريفه نسبت به اين مساله وجود ندارد.